

ایران، خاورمیانه و حقوق بشر آمریکایی

چکیده

روابط خارجی ایالات متحده آمریکا با کشورهای منطقه خاورمیانه نشان روشنی از رهنامه نومحافظه کاران آمریکا دارد. آنگاه که پس از رویارویی با تروریسم بین المللی بدین نتیجه رسیدند که سروری و برتری آمریکا جز با آمیختن دو مؤلفه گسترش دموکراسی و به کارگیری زور در منطقه خاورمیانه امکان پذیر نیست. در همین زمینه کشورهای اقتدارگرا ولی دوست آمریکا در خاورمیانه بر پایه دیپلماسی خصوصی Private Diplomacy با یک رهیافت مهربانانه به گسترش و تغییر آرام اصلاحات و دموکراسی در کشورهای خود تشویق شدند. در مقابل، با کشورهای اقتدارگرا ولی غیردوست آمریکا از منظر قدرت برخورد شد تا هر چه زودتر ماهیت و محتوای دموکراسی و حقوق بشر را در کشور خود پیاده کنند و گسترش دهند. در حالی که دوستان آمریکا در خاورمیانه تنها به ارایه ویتربینی از حقوق بشر تشویق می شدند، ولی از کشورهایی مانند ایران خواسته شد تا تحولات جدی تر و عمیق تری در موضوع حقوق بشر ایجاد کند. نوشتار پیش روی در همین زمینه به بررسی رهیافت آمریکا در زمینه حقوق بشر در منطقه خاورمیانه و ایران می پردازد.

کلید واژگان: آمریکا، حقوق بشر، ایران، خاورمیانه، نومحافظه کاران، اصلاحات.

* دکتر مهدی ذاکریان، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است. فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، سال ششم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۸۴، صص ۲۸-۱۳.

هنگامی که مجموعه عوامل گوناگونی در یک کشور به شیوه ای یکپارچه و هدف دار عمل کنند، استحکام و قدرت آن کشور برای همگان، حتی آنها که دانش سیاست را نمی شناسند قابل لمس و درک است. نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا مجموعه عناصر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و حقوقی دارد که همواره یکپارچه و هدف دار عمل کرده اند.

آنگاه که آمریکایی ها پس از جنگ جهانی دوم طرح اقتصادی و کمکهای مارشال را برنامه ریزی می کردند، راهبرد نگه داری کمونیسم در مرزهای خود را نیز پیش بینی کردند. جرج کنان George Kenan نزدیک به ۵۰ سال پیش در مجله امور خارجی Foreign Affairs با نام مستعار آقای ایکس (Mr. X) استراتژی مهار Containment را طراحی کرد. ناتو به عنوان یک عنصر نظامی در سال ۱۹۴۹ شکل یافت و ۲۵ سال پس از آن در سال ۱۹۷۵ در جریان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا فرایندی پیش بینی شد که ضربه کارآیی بر پیکره فکری-ایدئولوژیک کمونیسم وارد آورد.^۱ موضوع حقوق بشر و آزادی که از نگاه شوروی ها موضوع حاشیه ای کنفرانس به حساب می آمد در نهایت به پیروزی اقتصاد آزاد و فراگیری لیبرال-دموکراسی در بلوک شرق منجر شد و همانها فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را در پی داشت.

در حالی که برخلاف تصور روس ها که ارزشهای مارکسیستی و سوسیالیستی را آن قدر والا می پنداشتند که ترویج نسل یک حقوق بشر از طریق رادیو آزادی و رسانه های گروهی مسخره می آمد، اما همانها بسیار کارآتر از صف بندی نظامی دو بلوک عمل کردند. در واقع در مجموعه طراحی شده ایالات متحده شامل اقتصاد، سیاست، ارتش، فرهنگ و حقوق؛ دو مؤلفه لیبرال دموکراسی و حقوق بشر ضربه آخر را به شوروی فرود آوردند. ابزار حقوق بشر به پیروزی آمریکا انجامید و سبب شد تا سروری ایالات متحده بر نظام بین الملل بی همتا شود. اکنون نیز ایالات متحده آمریکا همین رهیافت نرم افزاری قدرت Soft Power یعنی حقوق بشر را دنبال می کند، با این تفاوت که نومحافظه کاران آمریکا با آمیختن دو مؤلفه قدرت نظامی و گسترش

دموکراسی به شیوه ای افراطی تر سودای برتری و سروری و کنترل خاورمیانه و ایران را دنبال می کنند. نوشتار پیش روی، پژوهشی است در این زمینه و با بررسی رهنامه های تصمیم گیران ایالات متحده، سناریوهای پیش روی را مورد بررسی قرار می دهد.

خاورمیانه و آمریکا

رویدادهای امروز خاورمیانه از زاویه ای دیگر بی شباهت با رویارویی آمریکا و بلوک شرق در دهه ۶۰ نیست. با این تفاوت که ایالات متحده در آن هنگام برای از رواج انداختن ایدئولوژی مارکسیسم ناچار به رویارویی با واحدهای سیاسی به نام کشور-ملت و سازمانهای منطقه ای مانند ورشو و کومکون بود و امروز برای رویارویی با تروریسم بن لادنی، افراط گرایی اسلامی و جنبشهای آمریکاستیز سعودی، عراق و افغانستان ناچار به تقابل با شبکه ای است که پشت سر هیچ واحد سیاسی قرار نگرفته ولی در همه جا و همه کشورهای منطقه می توان از آنها ردپایی یافت. این موضوع، ایالات متحده را سرگردان کرده است. به همین دلیل، آمریکا یک بار پاکستان را متهم می کند، بار دیگر سوریه، یک بار ایران، یک بار ترکیه، یک بار سعودی، یک بار کویت و بار دیگر اردن. زبان نیش دار فرانسوی ها در کنایه به آمریکایی ها در این زمانه بسیار شیرین است که آمریکا بیشتر به یک «قدرت سرکش» می ماند تا به یک «ابر قدرت».

سرگردانی و حضور همه جانبه خواه، آمریکا را در درون و برون با انتقاد روبه رو ساخته است. دیروز افغانستان، امروز عراق، چندی پیش کویت و فردا کجا؟! ولی بن لادن هنوز در جای خود قرار دارد و زرقاوی و ظواهری همچنان به پیش می روند و القاعده باز هم خطر آفرین است. اگر چه دستگاه اداری بوش قاطعانه در تازه ترین انتخابات ایالات متحده پیروز شد و همین هم سبب شد تا آمریکایی ها رهیافت مشیت آهنین را برای اعمال برتری و سروری بر نظام بین الملل دنبال کنند؛ اما آن پیروزی نه از منطق درست دستگاه حاکمه بوش، بلکه از بی برنامه گی و ضعف ساختارهای علمی دموکرات ها ریشه می گرفت. آن گاه که دستگاه نومحافظه کار بوش، استدلال اصلی حمله به عراق و صدام؛ دیکتاتوری که خود پرورنده بودند

را موضوع مبارزه با استبداد و پشتیبانی از حقوق بشر قرار دادند، دموکرات‌ها را از شعار تاریخی و دیرینه خود خلع سلاح کردند. دموکرات‌ها در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر برای نخستین بار اداره حقوق بشر و امور بشردوستانه را از اکتبر ۱۹۷۷^۳ در وزارت امور خارجه آمریکا راه اندازی کردند. این اداره سپس اداره دموکراسی، حقوق بشر و کار نامیده شد. از آن پس گزارشهای سالانه وزارت امور خارجه آمریکا از وضعیت حقوق بشر کشورها در خور توجه سازمانها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. اما همان کارتر که از منتقدان جدی نظامهای دیکتاتوری و استبدادی بود بر پایه دیپلماسی خصوصی (Private Diplomacy) و دیپلماسی سکوت (Quiet Diplomacy)، به تعریف و ستایش از محمدرضا پهلوی شاه ایران پرداخت و او را در آغوش گرفت. اشتباهی که دموکرات‌ها درباره موضوع حقوق بشر خاورمیانه در سالهای پایانی دهه ۷۰ نسبت به ایران مرتکب شدند، جمهوری خواهان با نوع عملکردشان نسبت به عراق در طلیعه هزاره جدید جبران کردند.

هم موضوع عملکرد کارتر و هم موضوع عملکرد بوش نشان می‌دهد که خاورمیانه در منظر ایالات متحده آمریکا تعریف دیگری دارد. استانداردهای دوگانه کارتر و بوش در پشتیبانی از دیکتاتور و سرنگونی دیکتاتور ریشه در علم سیاست و روابط بین‌الملل دارد، نه حقوق بین‌الملل و نه حقوق بشر. این یعنی اینکه حقوق بشر در خاورمیانه برای آمریکایی‌ها چیزی جز ابزار سروری و سرداری ایالات متحده در منطقه نیست. حتی دولت بوش متحد درجه یک دولتهای اقتدارگرای دوست آمریکا در منطقه است. چه کسی می‌تواند مصرف روزانه ۸۰ میلیون بشکه نفت در دنیا را از یاد ببرد؟^۴ کویت، سعودی، قطر، بحرین، عمان و امارات گوشه‌نشینهای خلیج فارس هستند که به رغم بی‌بهرگی از حقوق بشر، دوستان خوب ایالات متحده و باختر زمین اند. حتی متحدان آمریکا در خاورمیانه مانند ترکیه و اسرائیل که در نقض حقوق بشر نسبت به اکراد و فلسطینی‌ها کم نگذاشته‌اند از دوستان و متحدان نزدیک آمریکا محسوب می‌شوند.^۵

تحولات پس از ۱۱ سپتامبر

رویداد ۱۱ سپتامبر نظام بین الملل را تکان داد. حرکتی که مورد پسند هیچ واحد سیاسی قرار نگرفت. همه کشورها، ملتها و سازمانها آن را محکوم و تقبیح کردند. به باور آمریکا یازده سپتامبر یادآور یک کارکرد اصلی برای حکومت آمریکا بود: پشتیبانی از شهروندان و این یعنی جنگ علیه دشمنان. دشمنانی که ماهیت غیردولتی داشتند. موضوع تروریسم و رویارویی با آن، چهره و سطح ماجرا بود و ریشه یابی پدیداری تروریسم؛ بنیاد و مبنای رویارویی. در این زمینه عوامل و بسترهای شکل گیری تروریسم ۱۱ سپتامبر بازخوانی شدند. گروه کاری ویژه ای برای بررسی موضوع در آمریکا تشکیل شد. این کمیته ضمن بررسی عوامل کامیابی تروریست ها در ۱۱ سپتامبر و ریز ماجرا، دلایل بروز آن را نیز مورد توجه قرار داد. وجود دولتهای اقتدارگرا و غیردموکراتیک منطقه خاورمیانه، نبود حقوق بشر،^۶ درگیری اعراب و اسرائیل، موضوع آموزش، معضل اقتصادی، فساد مالی و رانت خواری حاکمان از جمله زمینه ها و بسترهای پرورش تروریسم معرفی شدند.

به رغم اینکه در هزاره سوم میلادی ۶۰ درصد دولتهای جهان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت دنیا دموکرات هستند و شمار کشورهای دموکرات طی سالهای ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۵ از ۷۰ کشور به ۱۲۲ کشور افزایش یافت،^۷ ولی موضوع دموکراسی و حقوق بشر همچنان چالش اصلی واحدهای سیاسی بین المللی است. آمریکا این موضوع را در کنار مؤلفه های دیگر پرورش تروریسم مورد توجه جدی قرار داد. در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ کاولین پاول ۲۰ میلیون دلار برای طرح مشارکت خاورمیانه در دموکراسی، آموزش و بازار آزاد قرار داد.^۸ بدین ترتیب موضوع دموکراسی گسترده و پشتیبانی از حقوق بشر در دستور کار نخست ایالات متحده قرار گرفت و همچنان ادامه یافت. با این وجود، ضمن اینکه ۱۱ سپتامبر از زاویه ای نقطه عطف دموکراسی گسترده و پشتیبانی از حقوق بشر محسوب می شود از زاویه دیگر نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بین الملل بشر دوستانه است. نوع رفتار با زندانیان گوانتانامو، بمباران اماکن غیرنظامی در افغانستان و عراق، ماجرای زندانهای ابوغریب و نوع رفتار شماری از سربازان آمریکایی در عراق به ویژه یافتن شمار بسیاری از زندانهای سازمان سیا در خاک اروپا،

همگی زاویه دوم نقض حقوق بشر از سوی آمریکا است. حقوق بشر پس از ۱۱ سپتامبر در پشت پرده سرنگونی صدام حسین قرار گرفت، اما خود در جریان این سرنگونی نقض شد.

برکناری صدام حسین با منطق نومحافظه کاران آمریکایی پیوند خورده بود که دموکراسی در بطن قدرت نظامی امکان پذیر است.^۱ البته این موضوع روشنی است که تنها صداهای محکم و رسا شنیدنی است. حقوق بشر بدون صداهای محکم در بستر خود می ماند و از صفحه های کاغذ پیمان نامه های حقوق بشری فراتر نمی رود. از این منظر، رویکرد آمریکا در موضوع حقوق بشر خاورمیانه قابل فهم است. اصولاً اگر از زاویه پراگماتیستی و دانش روابط بین الملل به سیاستهای آمریکا در گسترش حقوق بشر در خاورمیانه نگاه کنیم، این سیاست ارزشمند و خوب است. بالاخره چه کسی می تواند از نابودی طالبان خشنود نباشد. حتی جمهوری اسلامی ایران به رغم مخالفت جدی خود با حمله نظامی آمریکا به عراق نمی تواند خوشحالی خود را از ذلت و خواری صدام حسین پنهان کند. دست کم ما که خاورمیانه ای هستیم و روشن تر اینکه ایرانی هستیم با فجایع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیگانه نیستیم. هنوز هم دوستانی را به خاطر بمباران شیمیایی از دست می دهیم. اکنون بسیاری از دوستان ما بر اثر خمهای دوران جنگ با مرگ دست و پنجه نرم می کنند و یا در انتظار مرگ هستند. البته آمریکا از عراق در جنگ به طور غیرمستقیم پشتیبانی کرد. همان طور که فرانسه، شوروی، انگلیس و به ویژه آلمانی ها از عراق به شیوه روشن تری پشتیبانی کردند. این منطق رئالیستی نظام بین الملل است و حقوق بشر پس از ۱۱ سپتامبر هم از این منطق رئالیستی پیروی می کند. هابرماس نیز به این موضوع اشاره می کند که آمریکایی ها برای اعمال نظم لیبرال جهانی خود حتی از ابزارهای مغایر حقوق بین الملل هم بهره می گیرند. نواقح گراها راست گفته اند که قدرتهای بزرگ دولتهایی هستند که در تلاش برای تغییر ساختار نظام بین الملل هستند. ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر در این زمینه حرکت می کند. آمریکایی ها چندین واژه را در برابر هم قرار داده و اعمال قدرت می کنند. به گمان نومحافظه کاران آمریکا، واژه های ستون نخست مندرج در جدول زیر، منبع پدید آمدن واژه های مندرج در ستون دوم جدول می شوند.

| منبع | نتیجه |
|---------|--------------------------------|
| جنگ | صلح |
| تنش | ثبات |
| دشمنی | آرامش |
| تروریسم | نبرد دادگرانه - جنگ پیش‌دستانه |
| تهدید | توانایی |
| ترس | اعتبار |
| استبداد | حقوق بشر |

سناریوهای پیش‌روی

برپایه واژه‌های مندرج در جدول یاد شده، چند سناریو قابل‌ترسیم است:

۱. به کارگیری مشت آهنین برای احراز دموکراسی در برابر کشورهای یاغی Rogue States نظام بین‌الملل؛ دیپلماسی حقوق بشری ایالات متحده در افغانستان و عراق این‌گونه ترسیم شدند. (Public Diplomacy) عراق و شخص صدام حسین برای دولت آمریکا، یاغی محسوب شدند. به نظر آمریکایی‌ها کشوری که نیروی گریز از مرکز را به نظام بین‌الملل وارد می‌کند باید حذف شود و عراق حذف شد. به رغم اینکه حذف عراق به اختلاف میان آمریکا و متحدان اروپایی اش مانند آلمان و فرانسه انجامید، اما عراق حذف شد چون عراق از نظر آمریکا یاغی است و باید حذف می‌شد. عراق نه تنها ناقض حقوق بشر و تهدیدگر امنیت و صلح منطقه ای تلقی شد، بلکه محل نظم بین‌الملل آمریکایی نیز شناخته شد. به همین دلیل دولت بوش بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در عراق هزینه کرد تا صدام حذف شود. مهره عراق می‌بایستی می‌سوخت و سوخت. دیپلماسی حقوق بشری ایالات متحده در برابر عراق و افغانستان بسیار شفاف عمل کرد.

۲. همکاری و روابط حسنه با کشورهای اقتدارگرای منطقه اما دوست آمریکا

(Private Diplomacy)

به سعودی یا مثلاً کویت و یا قطر نگاه کنید. اینها از استانداردهای بین‌المللی

حقوق بشر بسیار دورند. اما همینها چون نظم بین الملل آمریکایی را به چالش نمی کشند از دوستان آمریکا محسوب می شوند. در حالی که آمریکایی ها بر پایه راهبرد استثناگرایانه (Exceptionalist) معیارهای حقوق بشری خود را برتر و بالاتر از دیگران می بینند اما روابط خارجی آمریکا در این موضوع فروتر (به گونه ای دیگر) عمل می کند. آمریکا به دلیل اینکه برخی پیمان نامه های حقوق بشری از معیارهای آمریکا عقب تر است به آنها نپیوسته است. اما همین کشور با حکومت‌های ناقض حقوق بشر در خاورمیانه رابطه صمیمی برقرار کرده است. اینجاست که بسیاری از نظریه پردازان و پژوهشگران روابط بین الملل، لیبرالیسم را تصدیق می کنند و زبان به انتقاد از رئالیسم می گشایند. این که ساختار قدرت محور نظام بین الملل (نواقع گرایی) باید محو شود و هدف، رهایی انسان باشد. از منظر آمریکا، کشورهایی مانند سعودی، قطر، امارات، عمان، کویت، اردن و بحرین که دوستان آمریکا هستند در فرایند (process) اصلاحات و اعمال حقوق بشر قرار دارند.^{۱۰} کاندلیزارایس وزیر خارجه آمریکا و از رادیکال ترین اعضای تیم فکری - اجرایی نومحافظه کاران، سعودی، کویت و قطر را در این مسیر می بیند. او حتی از برخی اقدامات این کشورها ستایش هم کرد.

این موضوع درستی است که فرایند جهان شمولی حقوق بشر همه کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که قواعد بنیادین حقوق بشر (Noyau dur) جایگاه قواعد آمره (Jus cogens) را در نظام بین الملل یافته اند، طبیعی است که کشورهای خاورمیانه ای هم تحت تأثیر این فرایند قرار گیرند. اردن، سعودی، قطر، کویت، امارات و بحرین تحت تأثیر این فرایند اقداماتی را انجام داده اند. اما دوستی آمریکا با این کشورها و دشمنی آن با جمهوری اسلامی ایران به رغم اینکه از دیگر همسایگان خاورمیانه ای خویش به مراتب جلوتر است، پارادوکس موضوع حقوق بشر آمریکا است. این یعنی اینکه حقوق بشر و حقوق بین الملل در سناریوی دوم روابط خارجی آمریکا چیزی جز عروسک‌های خیمه شب بازی بیش نیستند. این تنها سینمای هالیوود آمریکا نیست که در سرگرم کردن آدمها تخصصها دارد. وزارت خارجه آمریکا هم با موضوع حقوق بشر داستان هایی دارد. گاه دو آتشه بودن آمریکایی ها در موضوع حقوق بشر سبب می شود که با هانا آرنست هم سخن شویم که «علت وجودی سیاست، آزادی

است» و گاه رهایی حقوق بشر و دوستی با کشورهای اقتدارگرای منطقه ما را با ماکیاولی هم سخن می‌کند که «دروغ بگو اما تظاهر به راستگویی کن».

۳. قطع رابطه و سیاست اعمال تحریم: در این سناریو، کشورهای که ساختار نوواقع‌گرایانه آمریکایی را در نظام بین‌الملل به چالش می‌کشند در محور شرارت قرار دارند. آنها ولو اینکه دستاوردهایی در حقوق بشر داشته باشند، تحت تحریمند. به باور آمریکایی‌ها، جمهوری اسلامی ایران در این دسته قرار دارد. در ایران اگر کوچکترین چالش حقوق بشری دیده شود، دیپلماسی حقوق بشری آمریکا فعال می‌شود. این در حالی است که بسیاری از روشنفکران و دانشگاهیان منطقه به ویژه از مصر به پیشرفتهای حقوق بشری ایران غبطه می‌خورند، اما به تعریف آمریکا ایران از جمله کشورهای محور شرارت است. قطر و سعودی چون در این محور قرار ندارند، به رغم عقب ماندگی شان در حقوق بشر نسبت به ایران، دوستان آمریکا هستند. این موضوع نشان دهنده پارادوکسهای حقوق بشری آمریکا است.

در واقع آمریکایی‌ها در روابط خارجی، تنها لباس زیبایی از حقوق بشر را بر تن می‌کنند. دیپلماسی حقوق بشری آمریکا در ایران از آغاز دوگانه بوده است. براندازی حکومت مردمی مصدق، پشتیبانی از شاه، پناه دادن به مجاهدین خلقی که با صدام حسین هم پیاله بوده‌اند و پشتیبانی غیرمستقیم از عراق در جریان جنگ تحمیلی با هیچ‌یک از استدلالهای حقوق بشری سازگاری ندارد. موضوع حقوق بشر در همه جای دنیا کارکرد سیاسی یافته است و آمریکایی‌ها در این زمینه از همه سیاسی‌تر عمل کرده‌اند. موضوع ارزیابی و پشتیبانی از حقوق بشر باید از یک یا چند کشور خارج شود و در اختیار سازمانهای بین‌المللی به ویژه سازمانهای غیرحکومتی بین‌المللی قرار گیرد.

ایران، حقوق بشر و آمریکا

چه موضوع داوری نسبت به حقوق بشر در ید هژمون باشد و چه در ید INGO ها؛ جمهوری اسلامی ایران باید در خود تجدید نظر کند. همانگونه که آمریکا، فرانسه، بریتانیا و هر کشوری از کشورهای جامعه بین‌المللی نیازمند بازبینی و نوسازی هستند. ولی نیاز به بازبینی

ایران از آنجاریشه می‌گیرد که ایران در جغرافیایی قرار گرفته است که با همه همسایگانش تفاوت دارد. تفاوت ایران با قطر و امارات و دیگر کشورهای منطقه در این است که ایران از انرژی بسیاری خوبی برای الگو شدن در منطقه برخوردار است. حتی اکنون ایران نیز به زعم شماری از کشورهای منطقه قابل تقدیر است. رشد سیاسی، علمی و اقتصادی زنان در کشور؛ تحول در باورهای فقهی و اصلاحات در قوانین کیفری و جزایی و بازبینی حقوق زنان بسیار شجاعانه و خوب است. آیا شما می‌توانید تصور کنید، تنها تصور کنید که در مدینه یا مکه یا حتی واتیکان دانشگاهی پیدا شود که یک همایش بین‌المللی در موضوع حقوق بشر را راه اندازی کند. قم و دانشگاه مفید، دانشگاه امام صادق (ع) و دیگر دانشگاههای مذهبی کشور با ماهیتی روحانی و بستری مذهبی چنین کردند و می‌کنند. اگرچه به نوع، شیوه و اندازه هزینه هر همایشی از همایشهای کشور در برابر دستاوردهای آن همایشها انتقادهای جدی وارد است، اما اصل و ماهیت موضوع نشانه‌هایی را می‌فرستند که پیشینه‌ای در جاهای دیگر دنیا ندارد. در رابطه با موضع گیری آمریکا پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران با توجه به مواضع دیگر کشورها، سه دیپلماسی را می‌توان مشخص کرد:^{۱۱}

۱. دیپلماسی اروپایی‌ها: دیپلماسی اروپایی‌ها، دیپلماسی متعهد ساختن و Engagement است و تلاش می‌کنند ایران را متعهد سازند. در این راستا، گفت‌وگوهای حقوق بشری بین ایران و اروپا صورت می‌گیرد که تاکنون چهار دور از این گفت‌وگوها انجام شده است. در این گفت‌وگوها، طرفهای اروپایی می‌کوشند با بحثهای نظری و علمی، ایران را به رعایت هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر متقاعد سازند. در مقابل، ایران نیز تلاش می‌کند تا آنها را نسبت به موضوعاتی مانند تفسیر، جهان‌شمولی و حقوق اقتصادی متقاعد سازد ضمن اینکه نگاههای انتقادی هر یک از دیگری ارایه می‌شود.

۲. دیپلماسی سازمانهای بین‌المللی و سازمان ملل: دیپلماسی سازمانهای غیرحکومتی و سازمان ملل متحد، دیپلماسی کمکهای تکنیکی Technical Assistance و نظارت و گزارش Monitoring & Reporting است. بدین ترتیب که هم کمکهای آموزشی، پژوهشی به ایران ارایه شود و هم موضوع نظارت و گزارش دهی انجام شود. موضوع نظارت و

گزارش نیز خود بر دو پایه قرار می‌گیرد: یکی بر پایه پیمان نامه‌ها و دیگری بر پایه کمیسیون حقوق بشر که گاه «فرایند ویژه»، گاه «ساز و کار فرا قرار دادی» و گاه «موازن مبتنی بر منشور» نامیده می‌شود که خود به دو گونه ساز و کار کشوری و موضوعی تقسیم می‌شوند.^{۱۲}

۳. دیپلماسی آمریکایی‌ها: دیپلماسی آمریکا درباره موضوع حقوق بشر ایران، دیپلماسی تحریم یا Sanction است. به باور آنها، ایران باید آن قدر زیر فشار قرار گیرد تا حقوق بشر را رعایت کند. نگاه آمریکا به ایران درباره حقوق بشر همانند نگاه نابینایی است که ۲۰ سال پیش توانایی دیدن داشت و آن هنگام پدیده نازیبایی را دید ولی پس از نابینایی تنها همان پدیده زشت را در ذهن تجسم می‌کند. آمریکایی‌ها در این زمینه واقعاً نیازمند یک جراحی فکری هستند.

در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز سه نوع دیپلماسی را پی‌گیری می‌کند:

۱. دیپلماسی انکار: برابر با این رویکرد، ایران اعلام کرده است که برخی از موارد جهان شمول و شماری از هنجارهای حقوق بشر را قبول ندارد. به عنوان مثال ایران برخی از پیمان نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر را به هیچ وجه نمی‌پذیرد. دومین پروتکل الحاقی ناظر به لغو مجازات مرگ از این جمله است. یا درباره کنوانسیون حقوق زنان؛ اگر روزی هم این کنوانسیون مورد پذیرش قرار گیرد، پروتکل‌های الحاقی آن قطعاً پذیرفته نخواهد شد. ایران همچنین آشکارا این نکته را پی‌گیری می‌کند که دیپلماسی آمریکا درباره ایران اساساً ضد حقوق بشری است. تحریم اقتصادی ایران، جز ضعف اقتصادی ملت ایران و اصرار مدیران ایران بر درستی رهیافتهای بین‌المللی ایران هیچ سودمندی دیگری نداشته و تنها به تقویت و مشروعیت دیپلماسی انکار ایران انجامیده است.

۲. دیپلماسی تفسیر اسلامی: دومین دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی تفسیر اسلامی است. به این ترتیب که ما اعلام می‌کنیم برخی از هنجارهای حقوق بشری را به صورت مشروط می‌پذیریم. برای نمونه ما پیمان نامه حقوق کودک را با این شرط پذیرفتیم که ما تفسیر اسلامی از این موضوع داریم. این دیپلماسی چیزی جز بیان واقعیت ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیست. آمریکا باید این نکته را بپذیرد که ساختار سیاسی و فکری ایران

با آنچه که آمریکا می‌خواهد بسیار فاصله دارد. اکنون، رهیافت ایران در موضوع تفسیر اسلامی حقوق بشر به رهنامه تازه‌ای در جامعه بین‌المللی تبدیل شده است. بسیاری از کشورهای اسلامی به تبعیت از ایران، حق شرط‌های گسترده‌ای به پیمان نامه‌های حقوق بشری وارد می‌کنند.^{۱۳}

۳. دیپلماسی هم‌وردی: سومین دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی هم‌وردی یا ایجاد کنوانسیون‌های جدید حقوق بشری است. این رویکرد با اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره آغاز شد و با موضوع نظارت Monitoring ایران بر وضعیت حقوق بشر در غرب که از سوی رییس جمهوری ایران پیشنهاد شد، تداوم یافته است.^{۱۴} ضمن اینکه ایران خواهان پی‌گیری موضوع حقوق بشر در ساختار جامعه جهانی و ایفای نقش در موضوع اصلاحات حقوق بشری سازمان ملل است.

حقوق بشر: فرصت یا تهدید؟

این که رویکرد آمریکا در موضوع حقوق بشر نسبت به جمهوری اسلامی ایران فرصت باشد یا تهدید به ما بستگی دارد. اکنون گروه‌های کاری و موضوعی کمیساریای عالی حقوق بشر دو کارشناس ایرانی مومن و متعهد را به کار گرفته است. این فرصت خوبی است و گسترش و رشد آن به نفع جمهوری اسلامی ایران است. توانمندی‌های آموزشی و پژوهشی ایران در موضوع حقوق بشر هم قابل توجه است. اگر دستگاه‌های دست‌اندرکار در موضوع حقوق بشر به ویژه ریاست جمهوری، وزارت کشور (و نهادهای زیرمجموعه آن به ویژه نیروی انتظامی)، قوه قضاییه، مجلس و وزارت خارجه در هماهنگی با یکدیگر عمل کنند، رویکرد حقوق بشری آمریکا هیچ‌گاه تهدیدی برای ایران نخواهد بود. وانگهی، جمهوری اسلامی ایران باید موضوع نقد حقوق بشر از سوی دیگران نسبت به خود را به مانند «المؤمن مرآة المؤمن» ببیند. آمریکایی‌ها در این زمینه بسیار شفاف عمل کرده‌اند. در واقع آمریکایی‌ها در موضوع پذیرش نقد دیگران بسیار گشاده روی هستند. به رغم اینکه آمریکا قدرت برتر بین‌المللی است اما در رویارویی با موضوع ابوغریب از جامعه جهانی عذرخواهی کرد و مسبب آن را مجازات نمود.

ایران برای اینکه دچار بحران نشود باید تکلیف خود را با نیروها و عوامل خودسری که تک مضراب می‌زنند و قوانین کشور را زیر پا می‌گذارند، روشن کند. یک سرباز یا یک افسر یا یک جریان کشور نباید موضوع روابط دو کشور را به بحران ملی تبدیل کند. در حالی که در فرانسه مردان بزرگی مانند مونه، شومان، دوگل، ژیسکار دستن، میتران، شیراک و سارکوزی نقش آفرینی کرده‌اند، در جمهوری اسلامی ایران مدیران میانی و آدمهای کوچک یا معمولی روابط خارجی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فرانسه به رغم اینکه مبتنی بر دموکراسی و آزادی است، هیچ‌گاه به ژان ماری لوپن اجازه نداد که پایش را از گلیمش درازتر کند. اما در ایران برخی هر کاری بخواهند می‌کنند. این موجب ضعف در اقتدار ملی می‌شود. نتیجه این فرایند آن است که مردم مدیر دیکتاتوری را مطالبه کنند تا جامعه سروسامانی بگیرد. این یعنی مرگ دموکراسی و دفن فرهنگ حقوق بشری کشور و میدان دادن به آمریکا.

ایران در بعد حقوق بشر باید نقش فعال و نه منفعل در سازمانهای بین‌المللی داشته باشد. ایران عضو بسیاری از پیمان نامه‌های حقوق بشری است و این عضویت نیازمند تعهد جدی کشور به آنهاست. از نگاه روابط بین‌المللی، موضوع دیوان کیفری بین‌المللی، اصلاحات سازمان ملل متحد، پیمان نامه حقوق کودک، پیمان کیوتو و مانند آن همگی برای ایران فرصت و برای آمریکا چالش است. ایران باید در موضوع اصلاحات سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر و همچنین تنظیم پیمان نامه‌های جدید، پروتکل‌های جدید الحاقی، ترکیب کمیته‌های ناظر بر پیمان نامه‌های حقوق بشر و گروه‌های کاری و موضوعی حقوق بشر مشارکت و حضور جدی داشته باشد. اکنون آمریکایی‌ها به رغم ناهماهنگی بسیاری که با معیارهای حقوقی و تکنیکی حقوق بشر دارند در تلاشند تا شورای حقوق بشر را همان‌گونه که خود می‌پسندند بسازند. در حالی که شورای حقوق بشر می‌بایستی برای ما فرصت و برای آمریکا تهدید باشد. سند مصوب سران در نشست ۶۶ مجمع عمومی پیش‌بینی گفت‌وگوهایی را در زمینه ترکیب، اندازه، تعداد اعضا، جایگاه و آیین کار شورای حقوق بشر کرده است^{۱۵} و ایران نیازمند آن است که لابی گسترده‌ای را انجام دهد تا ایران و تمدن ایرانی در شورای حقوق بشر از جایگاه و کرسی ویژه‌ای برخوردار شود. همچنین حضور و مشارکت ایران در

موضوع حقوق بشر دوستانه، رویارویی با تروریسم، کنوانسیون جامع ضد تروریسم و به ویژه موضوع تدوین و تصویب پروتکل جدید الحاقی به کنوانسیونهای ژنو (پروتکل سوم) درباره نماد جدید کریستال سرخ و پاسداری از نماد شیر و خورشید سرخ بسیار ضروری و لازم است. متون علمی و پژوهشی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر باید جهانی شوند. نوع نگرش ایران در اینکه ما به حقوق بشر به طور واقعی نگاه می‌کنیم نه کارکردی و ابزاری باید گسترش یابد. نگرش ایران به موضوع جهان شمولی حقوق بشر، هماهنگی استانداردهای حقوق بشر با هنجارهای بومی و همکاریهای همه جانبه، صحیح و برحق است.

ایران برای جلوگیری از استفاده ابزاری حقوق بشر آمریکا در خاورمیانه نیازمند تعامل و همفکری با دانشگاهیان ایالات متحده است. دو دولت آمریکا و ایران در این زمینه کاملاً سیاسی عمل کرده اند. آمریکا تلاش کرده است تا موضوع حقوق بشر در خاورمیانه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران را به شیوه ارتباط با فعالان حقوق بشر دو کشور ایران و آمریکا دنبال کند. همانهایی که با بیانات تند خویش مانع شکل گیری روابط منطقی بین دو کشور و ملت در موضوع حقوق بشر می‌شوند. با چنین وضعی، فرصت اندکی در اختیار ایران قرار می‌گیرد تا برداشتهای خود را از موضوع حقوق بشر تبیین کند. در فضاهای تیره و تاریک، سوءتفاهمها از بین نمی‌رود و فرایند دیگری شکل می‌گیرد. اکنون آن گونه که آمریکایی‌ها به موضوع حقوق بشر در ایران نگاه می‌کنند ما باید به تدریج گواه حذف آرام آرام امور اجتماعی، فرهنگی، سنتی و مذهبی کشور به سود هنجارهای مورد نظر آمریکایی‌ها باشیم. در حالی که ایران باید با اعتماد به نفس، باورها و اعتقادات پایدار ملی و مذهبی را به دور از خرافه و تحجر و با اقرار به نقاط ضعف و تلاش برای از بین بردن آنها دنبال کند. شاه به رغم اینکه نسخه آمریکایی را با احتیاط و آرامش نسبت به مذهب و سنت و مجموعه کشور دنبال می‌کرد شکست خورد، اما ژاپن با حفظ شکیبایی و آرامش هم سنت‌ها را نگه داشت و هم نوگرایی.

نگاه آمریکا به ایران متفاوت از نگاه آن کشور به قطر است. آمریکایی‌ها بی‌میل نیستند که تحولات در خاورمیانه و خاورمیانه بزرگ را با تعریف خود دنبال کنند. در صورت بی‌برنامگی در این موضوع، ما زبانهای بزرگی خواهیم دید. طرح خاورمیانه بزرگ دستاورد پژوهشهای مؤسسه اینترپرایز آمریکا است. این طرح بیشتر با انگیزه حفظ موقعیت جهانی آمریکا تنظیم شده است تا رفع آلام و رنجهای حقوق بشری خاورمیانه. ارزیابی و واکنش ما نیز برای رویارویی با طرحهای منطقه باید از بستر علمی-پژوهشی دنبال شود. در این زمینه، تاکنون چند نهاد پژوهشی و علمی کشور، به بررسی و پژوهش پرداخته‌اند؟ آیا سناریوهای پیش روی به شیوه علمی بررسی شده‌اند؟ در حالی که تیم فکری نومحافظه کاران بر پایه باورها و تنها باورهای این تیم به برنامه ریزی و طراحی پرداخت، نهادهای پژوهشی ما به مصرف کنندگان دلارهای نفتی کشور و ثروت این مردم تبدیل شده‌اند. بسیاری از راهبردها و متون این نهادها، تنها برای آرامش قلبهای مدیران است و نه آرامش و نگرانی کشور. در موضوع حقوق بشر، فردا دیر است، حتی امروز هم بسیار دیر است و هرچه زودتر باید چاره اندیشید. عزت، آبرو، اعتبار و بزرگی این ملت در دست ماست. اکنون بیندیشیم و بسازیم تا آیندگان را آرامش و اعتباری باشد. در این زمینه، باید مانیفست همه ایرانیان، حقوق بشر در کنار منافع ملی ایران باشد. □

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Jack F. Matlock, "U.S. Policy on Human Rights in Relations with the USSR, 1961-1991," in *Implementing U.S. Human Rights Policy*, ed. by Debra Liang-Fenton, Washington D.C.: United States Institute of Peace Press, 2004, pp. 245-263.
 2. Nial Ferguson, *Crossus: The Price of America's Empire*, New York: The Penguin Press, 2004, p. 8.
 3. Debra Liang-Fenton (ed.), *Implementing U.S. Human Rights Policy*, Washington D.C.: United States Institute of Peace Press, 2004, p. 3.
 4. Gal Luft, Anne Kerin, "Terrorism Goes to Sea," *Foreign Affairs*, Vol. 83, No. 6, November/December 2004, p. 65.
 5. Henri J. Barkey, "The U. S. Turkey and Human Rights Policy," in Debra Liang-Fenton, *op.cit.*, pp. 363-400.
 6. Katerina Dalacoura, *Engagement or Coercion? Weighning Western Human Rights Policies towards Turkey, Iran and Egypt*, Washington D.C.: Royal Institute of International Affairs, 2003, p. IX.
 7. Charlotte Ku, Ptrod K. Jacobson (eds.), *Democratic Accountability and the Use of Force in International Law*, Cambridge: Cambridge University Press, 2001, p. 7.
۱۱. اکنون در سال ۲۰۰۶، بررسی آماری تا سال ۲۰۰۵ نشان می دهد که شمار کشورهای دموکرات به ۱۲۲ کشور رسیده است.
8. Katerina Dalacoura, *op.cit.*
 9. Jack Snyder, "One World, Rival Theories," *Foreign Policy*, No. 145, November/December 2004, p. 54.
 10. Katerina Dalacoura, *op.cit.*, p. 59.
۱۱. در این رابطه بنگرید به سخنرانی نگارنده با عنوان «بررسی جایگاه حقوق بشر و آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در پژوهشکده مطالعات راهبردی، گزارش پژوهشی شماره ۱۶۰، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تیر ۱۳۸۴.
12. Sir Nigel Rodley, "United Nations Human Rights Treaty Bodies and Special Procedure of the Commission on Human Rights: Complementary or Competition?," *Human Rights Quarterly*, Vol. 25, No. 4, November 2003, p. 883.
۱۳. مقاله زیر بحث زیبایی در موضوع حقوق بشر در کشورهای اسلامی دارد:
- Mashood A. Baderin, "Identifying Mechanisms Within Islamic Law for the Promotion and Protection of Human Rights in Muslim States," *Netherland Quarterly of Human Rights*, Vol. 23, No. 3, September 2004, pp. 329-346.
۱۴. بنگرید به متن سخنان رییس جمهور در روزنامه ایران، سال یازدهم، شماره ۳۳۵۷، دوشنبه ۱۲ دی ۱۳۸۴، ص ۳.
15. United Nations, Resolution adopted by the General Assembly, 60/1, 2005, *World Summit Outcome*, 24 October 2005, p. 33.